

# برابری و جانبداری

تامس نیگل

ترجمه

جواد حیدری

(عضو هیات علمی دانشگاه شامد)

فرهنگ‌نشر نو

با همکاری نشر آسپد

تهران-۱۳۹۹

## فهرست مطالب

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۰۱	سپاسگزاری
۱۰۳	۱ مقدمه
۱۱۲	۲ دو چشم انداز
۱۲۶	۳ مسأله‌ی ناکجاآبادگرایی
۱۴۱	۴ مشروعیت و اتفاق نظر
۱۵۱	۵ محک کانت
۱۶۶	۶ تقسیم کار اخلاقی
۱۷۸	۷ برابری طلبی
۱۹۳	۸ مسائل همگرایی
۲۰۶	۹ مسائل ساختار
۲۲۰	۱۰ برابری و انگیزش
۲۵۰	۱۱ گزینه‌های ممکن

## دو چشم انداز

بیشتر تجارب مان از جهان، و بیشتر امیال مان، به دیدگاه‌های فردی مان تعلق دارند: ما از اینجا اشیاء را می‌بینیم، سپس درباره‌ی آنها صحبت می‌کنیم. اما، افزون بر این، می‌توانیم با انتزاع [= جدا] از موضع خاص مان در آن - یعنی در انتزاع از کیستی مان - در باب جهان فکر کنیم. ممکن است در مقایسه با قیود و شروط "خود" به صورت ریشه‌ای تری از جهان منتزع شویم، مثلاً ما در طلب آن نوع عینیت که در علوم طبیعی مورد نیاز است، حتی خودمان را از انسانیت مان منتزع [= جدا] می‌کنیم. اما چیزی بیشتر از انتزاع از هویت مان (یعنی، کیستی ما) وارد نظریه‌ی اخلاقی نمی‌شود.<sup>۱</sup> هریک از ما کار خود را با مجموعه‌ای از علایق، امیال و منافع خاص خودش شروع می‌کند، و هریک از ما می‌تواند تصدیق کند که همین سخن در باب دیگران نیز صادق است. در این صورت، می‌توانیم خودمان را در مقام نظر از موضع خاص خودمان در جهان برکنیم و، به راحتی همه‌ی این انسان‌ها را تصور کنیم، بدون اینکه کسی را که دست بر قضا خودمان هستیم به عنوان من از دیگران مجزا کنیم.

۱. در کتاب نگریستن از ناکجا در باب این موضوع گسترده بحث کرده‌ام.

با انجام این انتزاع، موضعی را اتخاذ می‌کنیم که آن را چشم‌انداز غیرشخصی می‌نامم. از موضع چشم‌انداز غیرشخصی، محتوا و خصیصه‌ی چشم‌اندازهای فردی متفاوت (که می‌توان آن را بررسی کرد) بدون تغییر به قوت خود باقی می‌ماند: آدمی تنها این واقعیت را که یک چشم‌انداز خاص از آن خودش است کنار گذاشته است، البته اگر چشم‌اندازی از آن او باشد. این چیزی نیست که او نداند؛ او صرفاً این واقعیت را از توصیف این موقعیت حذف می‌کند.

از قابلیت ما برای نگرستن به جهان در این شکل و شمایل، از جمله جد و جهدهای عظیم برای کشف ماهیت عینی واقعیت، چیزهای زیاد ظاهر می‌شود. اما از آنجا که عینیت نیز در خصوص ارزش‌ها و توجیه رفتار اهمیت خودش را دارد، چشم‌انداز غیرشخصی نقش اساسی در ارزیابی نهادهای سیاسی ایفا می‌کند. اخلاق و نظریه‌ی سیاسی زمانی کار خود را شروع می‌کنند که از نظرگاه غیرشخصی داده‌های خام به‌دست آمده از امیال، منافع، طرح و برنامه‌ها، تعلقات، وفاداری‌ها و طرح‌های زندگی فردی را که دیدگاه شخصی شمار زیادی از افراد خاص، از جمله خودمان، را تعریف می‌کند در کانون توجه خود قرار می‌دهیم. آنچه در این جا رخ می‌دهد این است که تصدیق می‌کنیم پاره‌ای از این امور دارای ارزش غیرشخصی‌اند. امور وقتی که از نظرگاه غیرشخصی به آنها می‌نگریم اصلاً از اهمیت ساقط نمی‌شوند، و ما به ناگزیر تصدیق می‌کنیم که آن امور فقط برای افراد یا گروه‌های خاصی اهمیت ندارند.

من پیش از این قائل بوده‌ام، و همچنان باور دارم، که اگر چشم‌اندازهای شخصی و غیرشخصی نسبت به زندگی خودمان را در کنار هم نهمیم اجتناب از این پیامد غیرممکن است. شما نمی‌توانید بی‌طرفی غیرشخصی را در زندگی‌تان نسبت به اموری حفظ کنید که به‌طور شخصی برای شما اهمیت دارند: پاره‌ای از مهم‌ترین امور را باید مطلقاً مهم تلقی کرد، به‌طوری که دیگران نیز مانند خود شما دلیلی در اختیار دارند تا آنها را لحاظ کنند. اما از